

فصل ۴

آثار تحولات تاریخی ادیان در باور دینی اسلام

محتوی دینی اسلام نیز، از این آثار و ارثیه تاریخی ادیان، بی نصیب نمانده است. بعداً به تفصیل خواهیم دید^{۱۰۰} که در قرآن، خدا و دین اسلام در نقطه تلاقی چندین جریان دینی تعریف می شود:

- ۱- ادیان یهودی و مسیحی،
 - ۲- دین یکتاپرست "حنیف"^{۱۰۱} و،
 - ۳- ادیان «الله پرست» عربی موجود در بین مردم به اصطلاح "کافر" دوره دعوت به اسلام.
- ۱- از سوئی، خدای مورد معرفی در عهد عتیق^{۱۰۲} و عهد جدیدی^{۱۰۳} (تورات و انجیل)، خدای اسلام معرفی می شود و همزمان نیز، این ادیان و به خصوص یهودیت، به عنوان منبع و الگوی مهم دینی، حقوقی و سیاسی نهاد های دینی و غیر دینی اسلام، مورد استفاده قرار می گیرد:

()

¹⁰⁰ ر. ک. به بحث "پروسه تکوین باور دینی اسلام در نقطه برخورد گرایشات دینی حوزه دینی عربستان" در همین جلد از کتاب.

¹⁰¹ ر. ک. به بحث مربوطه در جلد اول این کتاب تحت عنوان «اجماع علما و سر و ته کرباس سانسور کلام الله» و همچنین به بحث «باور دینی و خدا شناسی در اسلام» در فصل «محتوی دینی و منطق بشری» جلد حاضر.

¹⁰² "عهد عتیق" به مجموعه کتاب های موسی و قبل از موسی اطلاق می شود. کتاب موسی یا تورات شامل پنج کتاب عهد عتیق است.

¹⁰³ "عهد جدید" نام مجموعه چهار کتاب انجیلی است که از سوی چهار نفر از همراهان عیسی به نام های متی، مارکوس، لوکا و یوحنا نوشته شده اند.

پذیرش خدا و سنت های دینی مورد معرفی تورات و انجیل در اسلام، ارثیه های دینی این ادیان، از آن جمله، اسطوره ها و قصه های مربوط به آفرینش و افسانه های مربوط به پیامبران قوم یهود را وارد قرآن کرده است. دیدیم که این داستان ها از سوئی متکی بر اعتقاد به خدای واحد و خالق آسمان ها و زمین اند، ولی از سوی دیگر، با آثار پرستش ادیان دوره های گذشته قوم یهود و عقاید اولیه مربوط به پرستش ارواح، نموده های طبیعی، بت ها و الهه ها مخلوط اند.

۲- در بحث های پیشین^{۱۰۵} دیدیم که محتوی دینی اسلام جز دوباره خوانی محتوی دین عربی حنیف نیست. "محمد در آغاز رسالتش مبلغ مسائل دینی و ارزش های اخلاقی بود. در این دوره، «پرستش خدای یکتا»، «اعتقاد به معاد»، «هراس از مجازات» و «اشتقاق کسب پاداش اخروی» در موعظه های او اولویت داشتند"^{۱۰۶}. به گزارش محققان دینی، این موارد در جامعه عرب آن روز سابقه دار و شناخته شده بودند و قبل از آن در این موارد آثار فراوانی به نظم و نثر به وجود آمده بودند و وجود داشتند^{۱۰۷}. نمایندگان یکتاپرستی "حنیف"، در این مورد، نقش عمده ای به عهده داشتند و بازی کردند. با این وجود، "دین حنیف ساده و ابتدائی بود و این به زهد، انزوا و جهان گریزی هواداران این آئین پاسخ مثبت می داد"^{۱۰۸}. اسلام نیز

¹⁰⁴ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁰⁵ ر. ک. به بحث مربوطه تحت عنوان «اجماع علما و سر و ته کرباس سانسور کلام الله» در جلد اول و «باور دینی اسلام در نقطه تلاقی گرایشات یکتاپرستی عربستان» در همین جلد از کتاب.

¹⁰⁶ فرشید فریدونی، نقدی بر فلسفه و تاریخ دولت اسلامی و دلایل شکست مردم سالاری دینی در ایران، استتسیل، ۲۰۰۵، ص ۱۳.

¹⁰⁷ ر. ک. به بحث مربوط به "پروسه تکوین باور دینی اسلام در نقطه برخورد گرایشات دینی حوزه دینی عربستان" در جلد حاضر.

¹⁰⁸ فرشید فریدونی، نقدی بر فلسفه و تاریخ دولت اسلامی و دلایل شکست مردم سالاری دینی در ایران، پیشین، ص ۸.

تعلیمات دینی خود را از این جا آغاز کرد، ولی در جریان تداوم و تکامل خود، این درون‌گرائی قبیله‌ای را تغییر داد و نهاد دینی قبیله‌ای را به نهاد متمرکز و برون‌گرای دینی - سیاسی فراقبیله‌ای تبدیل کرد. با این وجود، آثار محتوی دینی حنیف، چه به صورت اندیشه دینی، یا سنن و آداب عربی، در اسلام و قرآن باقی ماند.

۳- تقسیم محتوی و مضمون اعتقادی با "کفاری" که از سوئی "الله" را می‌پرستیدند و از سوی دیگر، این اعتقاد را با پرستش بت‌ها در آمیخته بودند نیز، آثار خود را در اسلام باقی گذاشته است. اینان بنا به آیات قرآن^{۱۰۹}، از سوئی "الله الصمد" و خالق آسمان‌ها و زمین‌ها را می‌پرستیدند، ولی از سوی دیگر، بت‌ها را به عنوان وسیله شفاعت در پیش خدا، پرستش می‌کردند. اینان، آثار ادیان قدیمی رایج در شبه جزیره عربستان را به شکلی از اشکال در دین خود وارد کرده بودند. سنگ‌های آسمانی را بزرگ می‌داشتند. به سحر و جادو متوسل می‌شدند. و با انجام اعمال دینی و نوع دینی باقیمانده از گذشته‌های تاریخی، همچون نذر، زیارت و قربانی کردن، از خداوند و اطرافیان وی، شفاعت، رفع شر و رستگاری می‌خریدند. قرآن این اختلاط «خدا و غیر خدا» را کفر و بی‌دینی می‌خواند، اما با قبول محتوی دینی، یا "الله پرستی کافران مکه" و همچنین از راه مراجعه به عرف و عادات و سنت‌های عربی، آثار باقیمانده از ادیان اولیه عربستان را در متن خود وارد کرده و خودی می‌کند. برای نمونه:

- "کلیه مناسک حج از قبیل طواف و بوسیدن حجرالاسود (سنگ سیاه خانه کعبه)، توقف کوتاه در عرفات، سعی بین صفا و مروه، رمی جمره و غیره، همه در دوره جاهلیت در بین اعراب مرسوم بود. تنها تغییری که محمد در اجرای مراسم مذکور ایجاد کرد، این بود که اعراب در دوره قبل از اسلام، در هنگام طواف اطراف کعبه، بت‌های موجود در خانه کعبه را صدا می‌کردند و می‌گفتند:

¹⁰⁹ ر. ک. به بحث «باور دینی و خداشناسی در اسلام» در همین جلد از کتاب.

- "لیبیک یا عزی، لیبیک یا منات، لیبیک یا لات".
ولی محمد به جای صدا کردن بت های مذکور، مقرر کرد مردم بگویند:

- «لیبیک اللهم لیبیک».
بدین ترتیب حتی بعد از ظهور اسلام، بعضی مراسم کهنه ای که از بت پرستی ناشی شده بودند، از قبیل بوسیدن حجرالاسود با آئینی تازه، به عنوان فریضة دینی مسلمانان باقی ماند^{۱۱۰}.

بدین ترتیب، اموری از این دست، همچون منبع و مینای عقاید دینی و احکام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ادیان حوزه دینی مربوطه، در اسلام نیز تکرار شدند؛ به صورت احکام قرآنی و روایت و حدیث در نهاد دینی، باز تولید شدند، و تحت عنوان "اسلامی" در درون سنت ها و احکام اجتماعی و اقتصادی اسلام باقی ماندند.

۱- نمونه خلقت انسان از گل

تحقیقات علمی به عمل آمده، به اعتقادات و باورهای دینی بی اشاره می کنند که سابقه ای طولانی در فرهنگ ها و میتولوژی های گذشته این حوزه دینی دارند و از آن طریق به عهد عتیق، عهد جدید و قرآن راه یافته اند.

محقق ترک، توران دورسون^{۱۱۱}، به منشأ داستان خلقت انسان از گل (موضوع آیات ۱۶-۱۲ سوره المؤمنون، آیه ۱۴ سوره الرحمن و آیات ۷۶-۷۱ سوره صافات قرآن) اشاره می کند. توران دورسون اعتقاد به «آفرینش انسان از گل» را ابتدا در میتولوژی های سومر ها که حدوداً سه هزار سال قبل از اسلام، در اراضی حاصلخیز بین دجله و فرات،

¹¹⁰ دکتر روشنگر، پیشین، ص ۱۴۶-۱۴۷ و،

Erol Sever, İslam Kaynakları, cilt 1, s. 53-55.

¹¹¹ Turan Dursun, Din Bu, cilt 4, 8 baskı, s. 55-60.

در عراق کنونی (جنوب شرقی بغداد) می زیستند، می یابد. در میتولوژی های باقیمانده از این دوره، مردوک خدای سومرها، داستان خلقت انسان را چنین تعریف می کند:

- "خدایان پیشین برای تشکر به پیش من آمدند و خواستند تا برای خدمت به آنان، مخلوقاتی را که در حد خدا نباشند، خلق کنم. من هم خاک را با خون آمیختم و از "گل" فراهم آمده، اولین انسان را به وجود آوردم"¹¹².

"بر اساس بازمانده های تاریخی، در افسانه های سومرها، انسان، همانند آن چه بعداً در تورات و قرآن هم آمده، از گل ساخته می شود و با دمیدن خدا، جان می گیرد. با این وجود، هنوز معلوم نیست که این اساطیر در آن زمان ها به وجود آمده و ساخته و پرداخته سومر ها بودند، یا حتی از آن هم قدیمی تر بوده و به اقوام و زمان های دیرینه تری تعلق داشتند، و از طریقی به ادبیات دینی سومرها راه یافته و دست به دست به این ادیان رسیده اند"¹¹³.

در افسانه های یونان نیز، پرومتوس با اشک چشم از خاک، خمیر می سازد. از خمیر بار آمده، آدمکی "گلی" می سازد و سپس در آن "روح" می دمد.

ژئوس خدای خدایان یونان نیز دستور می دهد تا خاک را با آب قاطی کنند و از آن آدم بسازند. سپس به این هیکل "گلی" فراهم آمده، صدا و توان انسان، ولی صورتی شبیه به خدایان می بخشد. بدین ترتیب، اولین انسان وی از "گل" خلق می شود¹¹⁴.

افسانه خلقت انسان از خاک و "گل" در سایر فرهنگ ها و از آن جمله در افسانه های مصر و چین باستان نیز تکرار شده اند. "گیل گمیش"، خدای افسانه ای تمدن کناره های رودخانه نیل نیز، انسان را از "گل" می آفریند.

¹¹² Turan Dursun, *ibid*, s. 55.

¹¹³ Arif Tekin, *Muhammed va Kurmaylarının Hanımları*, *ibid*, s.17.

¹¹⁴ Turan Dursun, *ibid*, s. 55-60.

در چین، خدای افسانه‌ای، پن قو، پس از جدا کردن زمین و آسمان، می‌میرد و از هر قسمت از بدن باقیمانده‌اش، پدیده‌ای طبیعی به وجود می‌آید. اما نظم فراهم آمده دوام نمی‌آورد و ساختار خلقت وی با فرو ریختن آسمان به دریا نابود می‌شود.^{۱۱۵} با این اتفاق، نگو هو، همسر خدای افسانه‌ای، برای ساختن دوباره جهان، قدم پیش می‌گذارد. وی سقف آسمان را دوباره به جایش می‌نشاند و از "گِل" باقیمانده، به خلق انسان دست می‌زند.^{۱۱۶}

با این سابقه، می‌توان نتیجه گرفت که "اساطیر و افسانه‌های مربوط به خلقت انسان از "گِل" که در کتاب‌های عهد عتیق و تورات آمده، ریشه در هزاران سال پیش از این دوره‌ها دارند. این افسانه‌ها در دوره ادیان اولیه به وجود آمده و از آن‌جا به تورات راه یافته و از نو و این بار به زبان دینی عهد عتیق، بازگو شده‌اند. از آن پس، میتولوژی‌های تکراری «خلقت انسان از "گِل"» و همچنین «شباهت انسان به خدا»، همانند بخش‌های دیگر داستان آفرینش، از طریق تورات به قرآن راه یافته‌اند.^{۱۱۷}

- اشتراک شرایط زیستی، یا مبادله فرهنگی

نظریه انتقال مستقیم این افسانه خلقت از عهد عتیق به قرآن، با شواهد تاریخی موجود، قابل نشان دادن است، اما با وجود این خط رابطه، هنوز چگونگی انتقال این افسانه و سایر افسانه‌های مشابه در این همه مناطق و فرهنگ‌های دور و نزدیک، به تمامی معلوم و کشف شده نیست. این است که این سؤال کماکان مطرح است که آیا:

- این عقاید و اساطیر در جایی از این جهان دیرینه به وجود آمده و از آن‌جا به جاها و فرهنگ‌های دیگر انتشار یافته، یا نه،

¹¹⁵ در مورد انتقال باور مربوط به امکان فرو ریختن آسمان به روی زمین به قرآن، ر. ک. به آیه‌های ۶۵ سوره حج و ۱۰ سوره لقمان و به بحث "علوم نقل شده در قرآن"، در جلد سوم این کتاب.

¹¹⁶ Turan Dursun, ibid.

¹¹⁷ Turan Dursun, ibid.

- هر کدام از این مناطق، به انگیزه نیازهای خود، به طور مستقل، افسانه‌هایی را به این شرح ساخته و پرداخته‌اند. به بیان دیگر، این سؤال کماکان مطرح است که:

- آیا در پشت سر این افسانه‌های مشابه و یکسان، شرایط زیستی، جغرافیایی و فرهنگی خاصی قرار داشتند و شرایطی یکسان، در مناطق مختلف جهان آن روزی، ساخته و پرداخته شدن افسانه‌های مشابهی را سبب شده‌اند، یا که نه،

- این افسانه‌ها در جایی و مکانی به وجود آمده و از آن جا به سایر فرهنگ‌ها و ادیان راه یافته‌اند.

محقق ترک، توران دورسون، این یگانگی و شباهت افسانه‌خلفت را ناشی از «اشتراک شرایط زیستی» این مناطق می‌داند¹¹⁸. به نظر وی:

- در همه این مناطق، کشت و زرع در خاک‌های بارور کناره رودخانه‌ها، مهم‌ترین منبع رزق و روزی بشر را تشکیل می‌دادند. در همه این‌ها نیز، انسان‌های این دوره‌ها دریافته بودند که بدون این خاک و گل بارور، زندگی‌شان قابل دوام نیست و اساس زندگی و حیات و ممانت‌شان به «آب و خاک»، یا «گل» کناره این رودخانه‌ها بسته است. این علت «کارکردی»، یعنی علتی که ناشی از عمل و تأثیر «گل» در زندگی بشر آن روزی است، باعث خلق افسانه‌خلفت انسان از «آب و خاک»، یا «گل» شده، و گل را به صورت منبع زندگی و هستی انسان و خلقت، به اسطوره دینی و فرهنگی تبدیل کرده است.

این البته درست است که بسیاری از اساطیر و افسانه‌های یکسان در مناطق مختلف، از «علل کارکردی»¹¹⁹ مشترک در این مناطق حاصل شده‌اند و «یکسانی شرایط زیستی»، عامل مهمی برای ساخته و

¹¹⁸ Turan Dursun, Din Bu, cilt 4, 8 baskı, s. 61.

¹¹⁹ Funktional - مربوط به علت و ضرورت برآمده از عمل، فنکسیونل:

پرداخته شدن «اساطیر دینی و فرهنگی» یکسان اند. با این وجود، نباید فراموش کرد که طبق داده های علوم اجتماعی در ایجاد پدیده ها و باورهای اجتماعی، عوامل زیستی و اجتماعی فراوانی دخالت دارند. اغلب، یک، یا تعدادی از این عوامل، مهم تر و تعیین کننده ترند، یا در زمانی و شرایطی، نسبت به بقیه، عمده تر و تعیین کننده تر می شوند و علت، یا علت های اساسی به وجود آمدن پدیده، یا اساطیری را تشکیل می دهند.

بر این اساس، در این زمینه نیز، «کارکرد» حیاتی "گل" در زندگی مردم، تنها عامل به وجود آمدن این، یا آن اسطوره و افسانه یکسان و مشابه نبوده، یا نمی توانسته باشد. در این مورد، عوامل دیگری نیز مطرح اند که یکی از آن ها، «مبادله فرهنگی» بین اقوام و گروه های دور و نزدیک انسانی در طول تاریخ است.

به طور مثال، جنگ ها و تسلط قومی بر قوم دیگر، مهاجرت های جمعیتی از منطقه ای به منطقه دیگر، و همچنین مبادلات بازرگانی پایاپای و غیره، روی هم رفته، باعث مبادلات دست آوردهای فرهنگی و دینی می شوند و انتقال باورها، سنت ها و عرف و عادت از قومی به قومی دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر را به دنبال می آورند. این جریان مبادله تاریخی، در درازمدت، به برپایی باورهای فرهنگی و دینی ی یکسان و شبیه به هم، منجر می شوند.

بر این اساس، باید نتیجه گرفت که وجود این افسانه خلقت یکسان در مناطق، جوامع و فرهنگ های مختلف:

- هم می توانست از «شرایط، نیازها و کارکرد های» مشابه و یکسان در این مناطقی که گل منبع مهم حیاتی بود، ناشی بشود و،
- هم، همزمان، از «مبادلات فرهنگی» بین گروه های انسانی در طول تاریخ، نشأت گرفته باشد.

هر چه هست، وجود این باور قدیمی در کتاب های دینی سامی، از جمله در قرآن، این نتیجه گیری را تأیید می کند که:

- بسیاری از باورهای موجود در ادیان امروزی، از جمله در اسلام و قرآن، ریشه در ادیان و جوامع اولیه دارند و از آن طریق به این دین و کتاب وارد شده اند.

۲- نمونه اصطلاح لغوی "الله"

در نمونه دیگر، کلمات "ئیل"، "الاه" و "الله" که در قرآن و اسلام نیز به کرات مورد استفاده قرار گرفته و از کلمات کلیدی اند، سابقه ای طولانی در فرهنگ ها و زبان های دیگر حوزه دینی ادیان سامی دارند. "کلمه «ئیل» در دوره های قبل از اسلام، به کرات به کار می رفته است. اسامی اسراف-ئیل (اسرافیل)، جبر-ئیل (جبرئیل)، عزیز-ئیل (عزرایل، یا عزرائیل)، و مانند آن ها از کلمه "ئیل" به معنی «الله» مشتق شده و به همان معنایی به کار می رفته که مثلاً اسامی عبد-الله (عبدالله)، یا نور-الله (نورالله).

اعراب شمالی عربستان، به موازات ایمان به خدایان و اجنه ها، اندیشه خدائی اعلی که "الله" و "الله تعالی" نامیده می شدند را نیز در مخیله داشتند. این تصور، بسیار ابتدائی بوده، چرا که اعراب دارای اساطیر (میتولوژی) تکامل یافته- مانند آن چه یونانیان قدیم داشتند- نبودند.^{۱۲۰} آنان خدا، یا خدایان خود را إله (اله)، یا به عربی (ال-الاه، ال-اله، یا الله) می نامیدند^{۱۲۱}.

"منابع عبرانی و یهودی نیز، خدایان خود را معادل با این اصطلاحات، "یهووا (یهوه)" و "الوهیم" می خواندند. در تورات بارها از "یهووا" و "الوها" نام برده می شود. در زبان آرامی نیز، کلمه "ئیل" و "الاه" در همین معنی به کار می رفته است. این کلمات، در انجیل به صورت "الوئی" آمده است.

کلمه "الله" از ریشه سریانی- مسیحی به زبان عربی راه یافته است. به این اعتبار بوده که اعراب دوره قبل از اسلام نیز، خدای خود را "الوئی"، یا "الاه" می خواندند و آن را با افزودن الف و لام عربی به

¹²⁰ ۱. پتروشفسکی، اسلام در ایران، پیشین، ص ۱۹.

¹²¹ Refer to Turan Dursun, Kuran, ibid, s. 83-82.

اول این کلمات، "ال-الاه" (الله) تلفظ می‌کردند. به بیان هوشنگ معین زاده، در دوره بت پرستی مکه، "الله" یکی از ۳۶۰ بتی بوده که در بتخانه "کعبه" قرار داشت و مورد پرستش اعراب بت پرست بود. در همان ایام بت پرستی نیز شعار "الله اکبر" رایج بود که به تحقیق منظور از این شعار، بزرگ تر جلوه دادن بت "الله" از سایر بت ها و به خصوص از سه بت لات، عزا و منات بود. اینان به دختران "الله" مشهور بودند.^{۱۲۲}

این کلمه از آن پس، به قرآن راه یافته و در قرآن نیز به صورت "الاه، اله، یا الله" و همچنین به صورت اسامی بی با پسوند "ئیل"، جبرئیل (جبرئیل)، اسراف-ئیل (اسرافیل)، عزرائیل و غیره، بارها به کار رفته و به کلمه کلیدی قرآن و اسلام تبدیل شده است.^{۱۲۳}

می بینیم که در این جا، بیش از آن که «شرایط زیستی و کارکردهای یکسان» نقش ایفا کنند، مبادله فرهنگی اقوام و گروه های انسانی نقش ایفا کرده است. در نتیجه، این کلمه دینی و مهم قرآن، نه فقط از فرهنگ و زبان خود، بلکه با، یا بی واسطه، از زبان و فرهنگ های دیگر به عاریت گرفته شده و در کتاب دینی اسلام که به بیان آیاتش باید تماماً به زبان عربی باشد (که نیست)، به کلمه کلیدی تبدیل شده است. در این مورد خاص، باید با نظر محقق ترک، توران دورسون، هم عقیده بود که این شباهت ها قبل از همه معرف تحول "ریشه های زبانی مشترک"^{۱۲۴} ناشی از مبادله فرهنگی در بین اقوام خاورمیانه است.^{۱۲۵} با این وجود، نباید فراموش کرد که این نتیجه گیری، نقش «شرایط زیستی و کارکردهای یکسان» در این جوامع و فرهنگ های مختلف را به هیچ نمی گیرد، یا نمی تواند به هیچ بگیرد. در بحث پیشین توضیح داده شد که این نمونه و نتیجه گیری به معنی بی تأثیر بودن «شرایط زیستی و علل کارکردی» در جریان انتقال

¹²² هوشنگ معین زاده، خیام و آن فروغ دلاویز، ص ۲۵۷.

¹²³ Turan Dursun, Din Bu, cilt 4, 8 baskı, s. 63

¹²⁴ Ethymological

¹²⁵ Ibid.

دست آوردهای فرهنگی و دینی پیشین نیست. چرا که اگر شرایط موجود اجتماعی، نیاز به این عنوان دینی را به وجود نیاورده بودند، حتی با وجود مبادله فرهنگی، این کلمه از زبان، فرهنگ و دین سریانی- مسیحی به زبان ها، فرهنگ ها و ادیان دیگر منطقه سرایت نمی کردند و در قرآن هم به کار نمی رفتند.

۳- آثار متعارض دینی در قرآن

با وجود این بده و بستان های فرهنگی بین ادیان «هم خانواده» در خاورمیانه، نباید فراموش کرد که هرکدام از این ادیان و جریان های یکتاپرستی موجود در عربستان زمان دعوت به اسلام، راه تاریخی خاص خود را در پشت سر داشتند و بر ارثیه تاریخی ریشه های ویژه خود بنا شده بودند. به بیان دیگر، این ادیان و جریانات دینی، که آثار مستقیم خود را در قرآن به جا نهاده اند،

- نه راه تاریخی یکسانی را رفته و ارثیه تاریخی یکسانی داشتند و،
- نه درک و فهم شان از پرستش دینی (الله پرستی و یکتاپرستی) یکسان و یگانه بود.

این بود که اسلام از طریق پیوند های دینی و فرهنگی با این ادیان و جریانات دینی، «ارثیه های دینی» گوناگونی را در خود رشد داد^{۱۲۶}. به همین سبب نیز، بسیاری از آیات نازل شده قرآن، در طول این دوره از تماس، ارتباطات و تأثیر پذیری (یعنی، دوره های مختلف پیوستن به این، یا گسستن از آن دین و جریان دینی)، معانی بی را مطرح می کنند که مختلف، متعارض و گاهی حتی متضاد یکدیگر اند^{۱۲۷}. به بیان دیگر:

¹²⁶ در مورد عربی بودن قرآن و اسلام و میزان تأثیر پذیری آن ها از تفکر، فرهنگ، دانش، سنن و آداب و عرف و عادات عربی ر. ک. به فصل "هدف نزول قرآن" در همین جلد از کتاب.
¹²⁷ ر. ک. به بحث «باور دینی و خدا شناسی در اسلام» در همین جلد از کتاب.

آیات گوناگون قرآن، موزائیک دینی و اسلامی ناشی از رنگارنگی محیط تولد و رشد اسلام را نمایندگی و بیان می کنند. و هم از این نظر، متفاوت و متعارض اند، یا تفاوت و تناقض شان از این طریق، قابل توضیح و توجیه اند.